

گلگشتی در آثار سید مرتضی

سید صادق سید نژاد



هنر چیست، هنرمند کیست؟

شهید آوینی هنر واقعی را با الهام‌گیری از معارف اسلامی آن چنان توصیف می‌کند که با فطرت و حقیقت انسانی در هماهنگی کامل است او می‌گوید: هنر شیدایی حقیقت است. همراه با قدرت بیان آن شیدایی و هنرمند کسی است که علاوه بر شیدایی حق، قدرت بیان آن را نیز از خداوند متعال گرفته است هر یک از این دو شیدایی حق و قدرت بیان - اگر نقص داشته باشد اثر هنری خلق نمی‌گردد... اصل لازم شیدایی «حق» است و «قدرت بیان» شرط کافی است.^(۱) هنر یاد بهشت است و نوحه انسان در فراق هنر «زبان غربت» بنی آدم است در فرقت دارالقرار و از همین روی همه با آن انس دارند چه در «کلام» جلوه کند چه در «لحن» و چه در «نقش»... انسی دیرینه به قدمت جهان. هر زبان بی زبانی است و زبان هم زبانی.^(۲) هنرمند راز دار خزاین غیب است و زبان او زبان تمثیل و تمثال است. پس باید رمز و راز ظهور حقایق متعالی و کیفیت حضور ظهور امر قدسی را در جهان بشناسد...^(۳)

حقیقت و مضمون هنر

حقیقت هنر را هر یک از اندیشمندان با توجه به نوع جهان بینی و تصویری که از جهان هستی دارند به گونه‌ای معرفی می‌کنند.

هنرمند متعهد شهید آوینی در تبیین حقیقت هنر و درون مایه آن می‌گوید:... حقیقت هنر نوعی معرفت است که در عین حضور و شهود برای هنرمند مکشوف می‌گردد و این کشف، تجلی واحدی است که از یک سو در محتوا و از سوی دیگر در قالب هنر ظاهر می‌شود... هنر از حیث محتوا نوعی معرفت است و از این قرار عین حکمت و معرفت پس چگونه می‌توان مظاهر مختلف حیات انسان را، علم و حکمت و هنر و فلسفه و دین را آن چنان که امروز معمول است از یکدیگر جدا کرد. هنر از لحاظ مضمون و محتوا عین تفکر و حکمت و عرفان است و تنها در نحوه بیان و تجلی از آنان متمایز است.^(۴) مایه اصلی هنر این درد غربت است، غربت آدمی که با خطاب «اهبطوا» از دریای جوار، بدین کرانه تشنه فرو افتاده است تا «تشنگی عشق» را در یابد.^(۵)

وظیفه هنرمند موحد

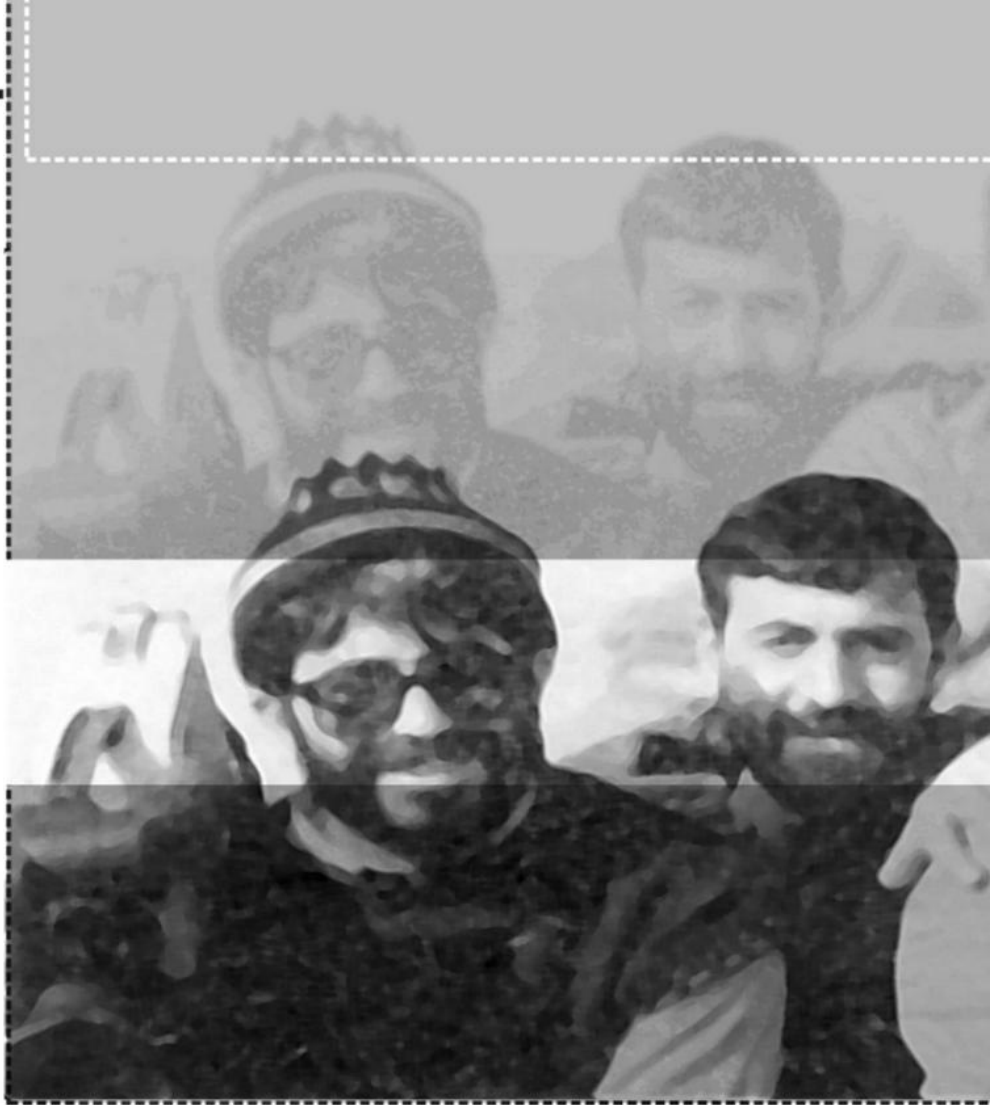
در اشاره به مسئولیت خطیر هنرمند متعهد موحد شهید آوینی می‌نویسد: هنرمند موحد گذشته از آنکه باید جهان را به مشابه نشانه‌ای برای حق ببیند و به تبعیت از این تعهد هنر او نیز رو به بالا بیاورد و به حقایق متعالی اشاره داشته باشد باید زبان سمبولیک اشیاء را با توجه به این حقیقت پیدا کند که هر شیئی در واقع آیت و نشانه حق است و از وجه خاصی به حق اشاره دارد و این اشارات نیز با یکدیگر متفاوت است.^(۶)

هنر غربی

اندیشمند فرزانه شهید مرتضی آوینی در معرفی ویژگی‌های هنر رایج امروزی غرب می‌نویسد: هنر غربی حدیث نفس است، نه حدیث شیدایی حق، هنر غرب بیان

خودپرستی انسان امروز است، هنری شیطانی است. حال آن که هنر حقیقی حدیث شیدایی حقیقت است.^(۷) در عالم ظاهر، آفاق سحر و معجزه خیلی به یکدیگر شبیه هستند. جادوگران نیز با سحر و جادو ظاهر آکاری شبیه به معجزه انبیاء انجام می‌دهند اما در حقیقت فقط معجزه وجود دارد و سحر و جادو جز فریبی بیش نیست. آفاق هنر رحمانی و هنر شیطانی نیز خیلی به یکدیگر شبیه هستند اما جز اهل حق کسی آن دو را از یکدیگر تمیز نمی‌دهد.^(۸) تمدن غربی در جستجوی بهشت زمینی است. سیر تاریخی هنر در غرب با غایتی این چنین طی شده است و در هر یک از ادوار قالب‌هایی که برای کار هنری اتخاذ شده لاجرم مظهر همان روح تاریخی است که آن دوره را از سایر ادوار متمایز می‌سازد.^(۹) هنر و تعهد

شهید آوینی در رد این اندیشه که هنر و هنرمند به چیزی متعهد نیست می‌گوید:... آنان که در کار هنر مدعی «عدم تعهد» شده‌اند درست در این داعیه خویش نیندیشیده‌اند اگر نه، در می‌یافتند که گریز از تعهد در عالم محال است.^(۱۰) هنرمند باید از «غرض اندیشی» آزاد باشد، اما در عین حال هنر عین تعهد اجتماعی است چرا که وجود انسان عین تعهد است و هنر نیز به مشابه جلوه انسان نمی‌تواند از تعهد فارغ باشد.^(۱۱) هنرمند باید اهل درد باشد و این درد نه تنها سرچشمه زیبایی و صفای هنری بلکه معیار انسانیت است. آدم بی درد هنرمند نیست که هیچ اصلاً انسان نیست.^(۱۲) اگر هنرمند نسبت به تاریخ و سرنوشت انسان و هویت فرهنگی خویش متعهد باشد دیگر در پیله حدیث نفس خفه نخواهد شد، بال‌های پروانگی اش خواهد رُست و پیله مقتضیات زمان و مکان را خواهد درید، چرا که انسان هم



تجارتی فوران می‌کند اما برای عشق به خدا، نه؟ آیا هنرمند با این انتخاب نوع تعهد خویش را مشخص نکرده است؟ حال آن که آزادی حقیقی تنها در عشق به خدا است و هنر آن گاه حقیقتاً آزاد می‌شود که غایتش وصول به حق باشد... هنر اگر برای هنر نباشد برای هیچ چیز دیگری هم نباید باشد جز عشق به خدا. چرا که هر تعلقی جز این و زر و بال و غل و زنجیری است برگردۀ روح که او را به زمین می‌چسباند. (۱۷)

هنرمندان امروز

هنرمندان (امروز) هرگز در جستجوی «حکمت» نیستند، آنها تنها سعی دارند که در «تکنیک» کار خویش «مهارت» بیشتری پیدا کنند و لکن آنچه در تکنیک و قالب کاری هنری آنها به مشابۀ محتوا اظهار می‌شود چیست، اگر حکمت نیست؟ می‌گویند: ما احساسات خویش را بیان می‌کنیم. اما مگر بیان احساسات انسان و اعتقادات او هیچ نسبتی نیست؟ این توهم ناشی از یک اشتباه حکمی یا فلسفی است که در عصر رخ داده است. معمول است که انسان را به دو ساحت مجزا و مستقل از یکدیگر تقسیم می‌کنند: عقل و احساس آن گاه علم را متعلق به ساحت عقل می‌پندارند، و هنر را متعلق به ساحت

احساس و نسبت و رابطه عقل و احساس را نیز معقول عنه می‌گذارند. (۱۸)

هنر جدید و زیبایی

شهید سید مرتضی آوینی در تبیین حقیقت و سرچشمه و آبشخور هنر جدید می‌گوید:... هنر جدید خاص عالم جدید است. هنر جدید مولود تکنولوژی است. هنر جدید هنر خواص است... عوام درکش نمی‌کنند... آنها که در دفاع از استقلال هنر در اوایل قرن نوزدهم فریاد برداشتند که: هنر وسیله نیست هدف است، فایده هنر زیبایی است و همین کافی است و زیبایی را نیز چنین تعریف کردند که: هر چیز مفیدی زشت است و تنها اشیایی حقیقتاً زیبا هستند که به هیچ فایده‌ای نیایند؛ اولین گام‌ها را در جهت جدایی هنر از حیات انسان برداشتند و چنین شد که آثار هنری بدون هیچ فایده اجتماعی در تبعیدگاه‌هایی به نام موزه و گالری جمع آمدند و اینها در حالی است که هنر عین تعهد اجتماعی است. چرا که وجود انسان عین تعهد است و هنر نیز به مثابه جلوه انسان نمی‌تواند از تعهدات فارغ باشد. (۱۹)

..... پی نوشت:

۱. کتاب مقاومت، ش ۴، ص ۵۰.
۲. سوره، ش ۱، ص ۶۱.
۳. آینه جادو، ص ۲۰۸.
۴. سوره، ش ۱، ص ۱۴.
۵. سوره، ش ۱۰، ص ۵۵.
۶. سوره، ش ۶ و ۵، ص ۵۹ و ۶۱.
۷. کتاب مقاومت، ش ۴، ص ۵۰.
۸. آینه جادو، ص ۱۸۶.
۹. سوره، ش ۱، ص ۲۸.
۱۰. سوره، ش ۳، ص ۴۳.
۱۱. آینه جادو، ص ۱۳۲ و ۱۳۱.
۱۲. سوره، ش ۱، ص ۳۰.
۱۳. سوره، ش ۴، ص ۳۰.
۱۴. سوره، ش ۹، ص ۵.
۱۵. سوره، ش ۳، ص ۴.
۱۶. سوره، ش ۹، ص ۵.
۱۷. سوره، ش ۴، ص ۲۴.
۱۸. سوره، ش ۱، ص ۱۰.
۱۹. همسفر خورشید، ص ۱۹۹.

می‌تواند محاط در متقضیات زمان و مکان باشد و هم محیط بر آن، انسان هم می‌تواند محکوم تاریخی باشد و هم سازنده آن. (۱۳)

هنر و آزادی هنرمند

در انتقاد از برداشت غلط از آزادی در هنر، شهید آوینی می‌گوید: آزادی در نفی همه تعلقات است جز تعلق به حقیقت که عین ذات انسان است. وجود انسان در این تعلق است که معنی می‌گیرد و بنابراین آزادی و اختیار انسان، تکلیف اوست در قبال حقیقت، نه حق او برای ولنگاری و رهایی از همه تعهدات و مقدمات باید گفت که هنر و ادبیات نیز در برابر همین معنی ملتزم است. (۱۴) آزادی هنر نباید در زیر پا گذاشتن معیارهای اخلاقی جامعه و یا توهین به مقدسات معنی پیدا کند که مع الاسف فضای سیاسی کشور بعد از پایان ظاهری جنگ بسیاری از مخالفان را جرأت بخشیده است که غرض ورزی‌ها و دشمنی‌های غیر معقول خویش را با نام هنر و آزادی عرضه کنند. (۱۵) آزادی هنرمند در درک تکلیف است و نه در نفی و طرد التزام به همه چیز... (۱۶)

تأسف از یک پیشامد هنری

شهید آوینی به هنر متعهد و هنرمند مسئولیت شناس می‌اندیشید و از رواج پیدا کردن ویژگی‌های هنر غربی و اصول آن در بین برخی هنرمندان داخلی در رنج بود و در این باره این گونه درد دل می‌کنند... هنرمندان با رغبت فراوان حاضرند در خدمت تبلیغ صابون و پودر لباس شویی و... آفیش فیلم‌های سینمایی کار کنند اما چون سخن از صدور انقلاب و یا پشتیبانی از رزم آوران میدان مبارزه با استکبار جهانی به میان می‌آید روی ترش می‌کنند که: نه آقا قبول سفارش هنر را می‌خشکاند! این کدام هنر است که برای پروپاگاندا